فصلنامه علمی تخصصی مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری
سال هشتم، شماره ۴ (پیاپی: ۳۴)، ویژه نامه پاییز ۱۴۰۴
ISSN: 2645-4424

رویکرد تحلیلی به ساختار الگو باغ ایرانی بر اساس نظام قرارگیری کوشک‌ها

پریناز محمدی راد[۱]، ملیکا قهرمانی قشقایی*[۲]، سجاد روح‌بخش[۳]، هلیا رحیمی داریان [۴]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵
کد مقاله: ۸۹۷۱۶

چکـیده

باغ ایرانی یکی از شاخص‌ترین جلوه‌های تمدن ایران درعرصه جهانی به شمار می‌آید و بازتابی از نگرش و جهان‌بینی ایرانیان است. سالیان طولانی است که پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی در تلاش‌اند تا الگوها یا کهن‌الگوهایی برای این نوع باغ، شناسایی کنند. در ابتدای شکل‌گیری باغ‌ها در ایران، این تغییر در معماری آن‌ها برآمد که کاخ‌های خود را در محیطی بدون دیوار و حصار(فضای باز)، میان مجموعه‌ای از باغ‌ها احداث گردانند؛ با گذر زمان، به دلیل علاقه‌مندی آنان به سنگ، به تدریج، آبگذار و حوض‌هایی از همان جنس در باغ‌ها پدید آمد که نظامِ ساختاریِ باغ ایرانی را تشکیل دادند. در این باغ‌ها، الگوی معروف چهارباغ به عنوان یکی از ماندگارترین ابداعات، درعرصه‌ی باغسازی به عنوان نمونه الگوی باغ ایرانی معرفی شد. در مورد هندسه بخصوصِ این باغ‌ها، به مرور با گسترش و انطباقِ فضاییِ میانِ مدل چهارباغ و دیگر نمونه‌های متنوع باغ ایرانی، الگوهای متعددی برای ساختار آن پدید آمد. در این پژوهشِ کیفی، با رویکردی توصیفی-تحلیلی و نیز تفسیری-تاریخی، به طور متمرکز، به بررسی پدیدآمدن این الگوها براساس نظام قرارگیری کوشک‌ها پرداخته می‌شود که به عنوان یکی از اجزای اصلی ساختار باغ، می‌توانند به ارائه‌ی دسته‌بندی‌هایی ساختارمنش از آن بپردازند. کوشک‌های باغ ایرانی، نقش‌های مختلفی را دارا هستند و به طور معمول در نقش نظرگاه، دارای ایوان یا مهتابی بوده‌اند، همچنین نقش فضاگرا ایفا کرده و کارکردی در جهت‌دهی و سازمان‌دهیِ فضا به ارمغان می‌آوردند، با توجه به این که جایگاه کوشک عمدتا به عنوان یک عنصر عملکردی در باغ شناخته می‌شود، می‌تواند معیاری برای طراحیِ عناصرِ باغ ایرانی قرارگیرد و در نتیجه انواع نظام‌های شکل‌گیریِ این پردیس را پوشش دهد. این نظام‌های الگویی، بازتاب مستقیم جایگاه کوشک‌ها هستند به گونه‌ای که هر شیوه استقرار کوشک، ساختاری متفاوت پدید آورده و از عوامل اصلی شکل‌گیری الگوهای مرکزگرا، نُه قسمتی، شطرنجی و محورگرا باغ ایرانی است که منعکس‌کننده زیبایی‌شناسی، معناگراییِ فرهنگی و جهان‌بینی آن‌ها می‌باشد.

واژگـان کلـیدی: باغ ایرانی، کوشک، الگو، نظام

۱- دانشجو کارشناسی مهندسی معماری، دانشکده فنی مهندسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲- دانشجو کارشناسی مهندسی معماری، دانشکده فنی مهندسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران(نویسنده مسئول) *melika.ghahremani79@gmail.com*
۳- دانشجو کارشناسی مهندسی معماری، دانشکده هنر و معماری و شهرسازی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۴- دانشجو کارشناسی مهندسی معماری، دانشکده هنر و معماری و شهرسازی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۱- مقدمه

باغ ایرانی یکی از جلوه‌های باشکوهِ تمدن و هنر ایران‌زمین است، که تلفیقی از طبیعت، معماری، فرهنگ و معنویت را در خود جای‌داده است. این باغ‌ها نه‌تنها مکانی برای آرامش و تفریح بوده‌اند، بلکه بازتابی از جهان‌بینیِ ایرانیان، درباره نظمِ کیهانی و توازنِ میانِ انسان و طبیعت بوده‌اند. در این پژوهش، تمرکز تحقیق بر نظام قرارگیریِ کوشک‌ها در پدیدآمدن الگوی فضاییِ باغ ایرانی است که می‌تواند نقشی کلیدی در شکل‌گیری ساختار کلی و سازماندهی اجزای باغ ایفا کند. کوشک‌ها معمولا در موقعیتی محوری و نمادین قرار می‌گیرند و با سایر عناصر مانند آبراه‌ها، درخت‌کاری‌ها، دیوارها و ورودی‌ها در ارتباطی هماهنگ و هندسی قرار دارند. این جانمایی نه‌تنها از زیبایی‌شناسیِ معماری ایرانی ناشی می‌شود، بلکه حامل مفاهیم عمیق‌تری مانند مرکزیت، تعادل و اشراف بر طبیعت نیز است.

بر روی بعضی از کاسه‌های سفالین، نقش آبگیرهایی دیده می‌شود که اطراف آن‌ها را درخت زندگی احاطه کرده است و برخی دیگر دنیا را نشان می‌دهد که به چهار قسمت تقسیم‌شده و گاهی آبگیری هم در وسط آن مشاهده می‌گردد. این نوع طرح متقاطع که در آن یک محور ممکن است از محور دیگر درازتر باشد، به صورت طرح نمونه باغ‌های ایران درآمد و نام چهارباغ بر آن اطلاغ گردید. این گونه طرح از زمان ساسانیان، که معمول بود در شکارگاه‌ها در محل تقاطع محورها کوشکی بنا کنند، ترسیم‌شده است. در صفحه‌ای از دیوان حافظ که در اوایل قرن شانزدهم توسط یک نقاش تبریزی نقاشی شده است شاهزاده‌ای در باغی هنگام پاییز نشان داده‌شده است.(تصویر ۱-) نوع دیگری یک شاه‌نشین یا کوشک کوچک و ظریفی را که در وسط باغ احداث‌گردیده نشان می دهد.(تصویر ۲-) در شیوه سبک دیگری از نقاشی که در آن تمام و یا قسمتی از یک کوشک و یا قصر زیبا را نسبت به باغی که آن را احاطه‌کرده نشان می‌دهد. این سبک را می‌توان در هفت اورنگ مشاهده نمود(تصویر ۳-)(ویلبر، ۱۳۴۸). در توصیف باغ ایرانی، بسیاری از صاحب‌نظران این‌گونه می‌گویند که مستطیلی با دو محور متعامد که در محل تلاقی‌شان کوشکی ساخته‌اند، معمولا هرجا چنین هیأتی بیابیم، آنجا را باغ ایرانی می‌نامیم و بر اثر آن هنگامی که در باغ ایرانی حاضر می‌شویم، بیش از هر چیز همین هیئت را می‌بینیم و درک می‌کنیم (بهشتی، ۱۳۸۷). در نظام استقرار؛ دو محور اصلی عمود بر هم، باغ را به چهار قسمت اصلی تقسیم می‌کند. تقسیم بر چهار شدن دارای بار تاریخی طویلی است و شکل بارز خود را در اشاره —آب از باغ عدن خارج می‌شود و به سمت چهار گوشه جهان جاری می‌گردد— از روز ازل نشان می‌دهد. باروری نیز بر آن است؛ زمانی که چهار محور اصلی، چهار نهر آب اصلی، چهار ردیف درختان سایه‌گستر اصلی و چهار راه اصلی مکانی را به چهار قسمت تقسیم می‌کند واژه چهارباغ به میان می‌آید(میرفندرسکی، ۱۳۸۴). باغ ایرانی از تعدادی خطوط و محورهای اصلی تشکیل‌شده که باغ را به چهار بخش تقسیم می‌کند به طوری که کوشک در میان آن قرار دارد و سپس هر بخش به قسمت‌های کوچک‌تری تقسیم می‌شود. این شیوه ریشه در فرهنگ گذشته بسیار دور دارد. تقسیم فضا به چهار بخش به مناسبت چهار عنصر مقدس معمول بوده است: آب، آتش، خاک و باد(دانشدوست، ۱۳۶۹).

تصویر ۱- مأخذ:(ویلبر، ۱۳۴۸)

تصویر ۲- مأخذ:(ویلبر، ۱۳۴۸)

تصویر ۳- مأخذ:(ویلبر، ۱۳۴۸)

۲- سوال پژوهش

باغ ایرانی یکی از نمونه‌های مهم معماری منظر است که با نظمِ هندسیِ عناصر شاخصی مانند آب، گیاه و کوشک شناخته می‌شود. در این میان، جایگاه کوشک در باغ فقط یک عنصر کالبدی نیست، بلکه بر نحوه‌ی شکل‌گیریِ نظم فضاییِ باغ نیز اثر گذاشته است. بنابراین، بررسی ارتباط موقعیت کوشک با ساختار کلی باغ، می‌تواند به درک بهتر الگوهای باغ ایرانی کمک کند. در راستای این هدف، سوال اصلی پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود که:" نظام قرارگیری کوشک در باغ‌های ایرانی چه تأثیری بر شکل‌گیری الگوهای فضایی و سازمانی این باغ‌ها داشته است؟". به منظور نیل به هدف پژوهش و پاسخ به پرسش اصلی، ریزسوالاتِ زیر، مسیر بررسی و تحلیل را در پی‌خواهدگرفت:

۱. باغ ایرانی و تاریخچه شکل‌گیری آن چیست؟
۲. ساختار الگو باغ ایرانی از چه نظام‌ها و عناصری تشکیل‌شده است؟
۳. الگوهای هندسی باغ ایرانی به چه صورت هستند؟
۴. اهمیت و جایگاه نظام قرارگیری کوشک‌ها در باغ ایرانی چگونه است؟

۳- پیشینه پژوهش

باغ ایرانی به عنوان یکی از نمودهای برجسته هنر و معماری ایران، دارای ساختاری منسجم، نمادین و در عین‌حال عملکردی است که در این میان، کوشک یکی از عناصر کلیدی در سازماندهیِ فضایی و ساختار هندسی باغ به‌شمار می‌آید. تاکنون در منابع و کتاب‌های متعددی به تحلیل و بازخوانی دسته‌بندی‌های مختلفی بر ماهیت و علیت انواع باغ‌های ایرانی پرداخته‌شده است که هرکدام از منظری و به طریقی خوانشمند و از زاویه دیدی خاص به ارائه آن پرداخته‌اند.

در طراحی باغ اگرچه شرایط زمین بسیار تعیین‌کننده است، ولی تعیین جایگاه کوشک و چشم‌اندازها می‌تواند کاملا آگاهانه، نمادین و معناگرا باشد(انصاری، ۱۳۷۸). کوشش بر این بوده است که ساختمان‌های داخل باغ در محلی برخوردار از بهترین چشم‌انداز قرارگیرد(میرسلیم، ۱۳۷۵). در کتاب باغ‌های تاریخی تبریز، تحت عنوان درآمدی بر شکل‌گیری باغ‌های ایرانی، آن‌ها را به اعتبار طرح و نقشه آن به سه دسته کلی تقسیم‌کرده است: باغ‌های مسطح و کم‌شیب ،باغ‌های شیب‌دار و صُفه‌بندی‌شده و سکودار، باغ‌های ساخته‌شده در زمین‌های عارضه‌دار طبیعی با دریاچه(بانی‌مسعود، ۱۳۹۵). در نمونه‌ای دیگر در کتاب تاریخ باغسازی جهان، متدین با مطالعه و بررسی نحوه سازماندهی عناصر داخلی باغ ایرانی، آن‌ها را به چهار الگوی کلی تقسیم‌بندی کرده است که شامل: نظام نُه‌قسمتی، نظام مرکزگرا، نظام محورگرا و نظام شطرنجی است(متدین، ۱۳۹۶). در مقاله باغ‌های ایرانی، استاد پیرنیا چهار نحوه قرارگیری برای کوشک در محوطه باغ آورده است که شامل: کوشک در فضای میانی، کوشک در یک‌سوم میانی، کوشک در انتهای محورِ سردر و کوشک در فضای میانی با حیاط‌خلوتی در شمال هستند(پیرنیا، ۱۳۷۳). در مقاله باغ در مفهوم باغ، ابتدا از انواع باغ‌های ایرانی در مقیاس‌های گوناگون از باغشکارگاه مانند طاق بستان، باغدره‌ها مانند بلغ سعدآباد تهران؛ باغ اندر باغ‌ها مانند باغ های صفوی در مرکز شهر اصفهان تا باغ در اشکال متنوع آن از جمله، پردیس، گلستان، گلزار، گلشن، گلگشت و... نام برده است سپس آن‌ها را از لحاظ فرآیندِ شکل‌یابی به طریقه چهارنظام بررسی کرده است که شامل: موقعیت و جایگاه باغ(نظامِ استقرار)، نظام ساختاری، نظام آبیاری و نظام گیاهی می‌شوند(میرفندرسکی، ۱۳۸۰). در مقاله هندسه در باغ ایرانی، محمدنیا به سه شیوه قرارگیری کوشک در باغ ایرانی اشاره کرده است که شامل: کوشک در فضای میانی، کوشک در یک‌سوم میانی و کوشک در انتهای محورِ سردر بوده است(صدیق محمدنیا، ۱۳۹۸). در مقاله بررسی ساختار معماری کوشک در باغ‌های ایرانی، کوشک‌ها را از نظر معماری در باغ‌های ایرانی به ۹ دسته: نه قسمتی، چهار صفّه و هشت‌بهشت، چهل‌ستونی، ایوانی، سه قسمتی، مضاعف(شاه‌نشین‌های قرینه)، آلاچیقی، پل‌کوشک و Uشکل تقسیم کرده است(محمدی و قلی‌زاده، ۱۴۰۰).

این پژوهش اما با تمرکز بر تاثیرگذاری جایگاه قرارگیری کوشک‌ها در باغ ایرانی، درصدد ارائه تحلیلی از چگونگی اثرپذیری ساختارها و نظام‌های نشات گرفته از آن‌ها داشته و به دنبال یافتن سلسله‌مراتب جایگیریِ کوشک‌ها تا به پدیدآمدن کلیت هندسی باغ‌ها در این محیط است. به عبارت دیگر این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال است که نظام قرارگیری کوشک‌ها چه تاثیری در به وجود آمدن الگوهای باغ ایرانی داشته است.

۴- باغ ایرانی و تاریخچه آن

باغ ایرانی را می‌توان چنین تعریف کرد: باغی است منظم، محصور و دارای نقطه عطف داخلی و بازتابی از بهشت(متدین، ۱۳۹۶). ایرانی‌ها از قدیم به ساختن باغ‌ها و باغچه‌ها در حیاط‌ها و دور و بر بناها علاقه خاصی داشتند. شاید خاطره میهن اصلی و خاستگاه قوم آریا منشأ این علاقه بوده است. فرمانروایان شهرهای داخل ایران یا شهرهای قلمرو شاهنشاهی ایران در خارج، همه ملزم به ساختن چنین باغچه‌هایی بوده‌اند. برای مثال یکی از این باغ‌ها یا پردیس‌ها در تخت‌جمشید بود که خشایارشاه در هنگام برشمردن نام بناهایی که ساخته، از آن یاد کرده است. واژه پردیس به معنای بهشت، در زبان عربی به فردوس و در زبان‌های دیگر به پارادایز تبدیل شده است. بهشت خود به معنای بهترین زندگی است که به شکل باغی سرسبز و خرم و زیبا مجسم می‌شده است. در فارسیِ قدیم واژه پالیز هم به همین معنا بوده چنانکه فردوسی گفته است:"وز آنجا به پالیز بنهاد روی". در بهشت کوثر هست و درختان و گل‌ها و جویبارها. در باغ نیز آب روان و گل‌های زیبا و درخت‌هایی که می‌توان در سایه آن‌ها آرمید وجود دارند و همه آن ها محصور در دیواری است که مانع ورود جهنمیان به آن می‌شود(پیرنیا، ۱۳۷۳).

۴-۱- هدف از ایجاد باغ ایرانی

باغ ایرانی در تاریخ هنر باغسازی جهان با سبک و هویت ویژه خود شناخته می‌شود. اصول شکل‌دهنده باغ ایرانی، با عمر حداقل دو هزار و پانصد سال که از آثار باستانی شناخته برمی‌آید، طی دهه‌های معاصر موضوع نوشته‌های متعددی بوده است. نوشته‌هایی که اغلب به توصیف، تحسین و در بهترین حالت به طبقه‌بندی شکلی از گونه‌های باغ ایرانی با توجه به متغیرهای زمین، تقسیمات درونی، عناصر باغ و امثال آن‌ها پرداخته‌اند(منصوری، ۱۳۸۴). متدین(۱۳۸۹) در مقاله علل پیدایش باغ‌های تاریخی ایران، دو دسته‌بندی کلی برای علت وجودی باغ در ایران ارائه‌کرده است که در نمودار ۱- به شرح آن پرداخته‌شده است.

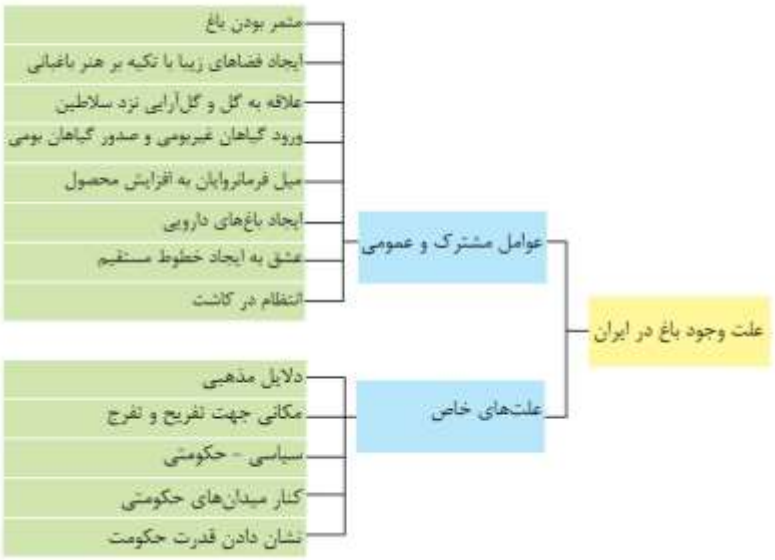

نمودار ۱- علل وجود باغ در ایران(مأخذ: نگارندگان)

۵- ساختار الگو باغ ایرانی

۵-۱- عناصر باغ ایرانی

باغ ایرانی اساسا از چهار عنصر اصلی تشکیل‌شده است. این عناصر عبارتند از: زمین، آب، گیاه و فضا. بدون درنظر گرفتن هر یک از عوامل یادشده، باغ به‌وجود نخواهدآمد یا ناقص خواهدبود(نصر، ۱۳۸۹). نمودار ۲- نشان‌دهنده این عناصر است.

۵-۱-۱- زمین

زمین یکی از عناصر اصلی باغ است. به جز شکل و موقعیت کلی، عوامل و ویژگی‌های دیگری نیز اهمیت دارد همچون جنس خاک، شیب، اختلاف سطح، قابلیت آبیاری و حاصلخیزی. به عنوان مثال یکی از علل احداث باغ در زمین‌های شیب‌دار امکان حرکت آب در میان باغ به شکل طبیعی است(مدقالچی و همکاران، ۱۳۹۳). وجود زمین شیب‌دار، شرط لازم دیگری برای آبیاری باغ بوده و جهت باغ بر همین اساس شکل می‌گیرد. سیستم هندسی که ایرانیان برای آبیاری به‌کار گرفته‌اند؛ دقیق‌ترین و سهل ترین امکان را فراهم میسازد(انصاری، ۱۳۷۸ به نقل از مدقالچی و همکاران، ۱۳۹۳).

۵-۱-۲- آب

در هنر باغسازی ایرانی فضا بدون آب محقق نمی‌شود. برخی محققان بر این عقیده‌اند که حضور آب نتیجه تجسم بخشیدن به وصف قرآن از بهشت توسط مسلمانان است(کلارک، ۱۳۸۰). آب عنصری حیاتی در باغ ایرانی است و به علت کم باران بودن بیشترِ سرزمین ایران، تهیه و نگهداری آب امری بسیار مهم است. قنات‌ها مهم‌ترین تأمین‌کننده آب باغ‌ها بوده و گاهی از نقاطی دوردست آب را به آنجا می‌رسانده‌اند. این آب در جدول‌ها وجوی‌های منظم قرارگرفته و با گذر از نهر اصلی به نهرها و جوی‌های فرعی می ریخت(ابوالضیاء، ۱۳۷۳).

۵-۱-۳- گیاه

حضور پررنگ گیاه نیز به صورت گوناگون و گونه‌های مختلف از دیگر ویژگی‌های مشترک و اصیل تمامی باغ‌های ایرانی است، تعریف باغ بدون گیاه ممکن نیست(حیدرنتاج و رضازاده، ۱۳۹۴). گیاهان و به‌طور خاص درخت، همراه با آب دو عنصر مقدسی هستند که از مظاهر آناهیتا بوده و در ارتباط با پاکی، باروری، رشد و فراوانی در جهان هستی قرار دارند(جوادی، ۱۳۹۲).

۵-۱-۴- فضا

ارزیابی باغ ایرانی نشان می‌دهد که ایرانیان از سلسله‌مراتب فضایی برای دستیابی به حس معنویت، زیبایی، آسایش و خوانایی در باغ ایرانی استفاده کرده‌اند تا فضای باغ را به مکانی خاص تبدیل کنند. بنابراین می‌توان گفت سلسله‌مراتب در باغ ایرانی در واقع رابطه فضایی عناصر معماری است(جوادی و وثیق، ۱۴۰۱).

۵-۲- نظام‌های باغ ایرانی

۵-۲-۱- نظام گیاهی

در باغ ایرانی کاشت گیاهان نظم معین خود را دارند، درختان سایه‌افکن در دو طرف مسیرهای باغ قرار می‌گیرند که بر مسیرهای محوری، با توجه به اهمیت آن‌ها و با اتکا به نوع درختِ سایه‌افکن تاکید می‌گذارند. این درختان مواقعی تنها یک نوع درخت می‌باشند مانند چنار و مواقعی دو نوع مانند چنار و سرو. در دور باغ در جوار دیوار، مسیر حرکت وجود دارد که در آنجا نیز درختان سایه‌افکن، و یا سایه‌افکن دارای میوه مانند گردو، به طور ردیفی در کنار نهر قرار می‌گیرند(میرفندرسکی، ۱۳۸۰).

۵-۲-۲- نظام آبیاری

حضور آب و شکل حرکت آن عمده‌ترین بخش‌ها از نظام آبیاری می‌باشد. آب در نقطه‌ای ظاهر می‌شود که بتواند سراسر باغ را آبیاری کند بنابراین از موقعیت مربوط به عوارض زمین تبعیت می‌کند. زمانی که جریان آب در باغ به خاطر کم‌بودن آن به اندازه‌ای نیست که کرت‌ها را به طور دائم آبیاری کند، آب در استخری جمع‌شده و بعد از آن، دفعتاً و با سرعت در شهرها جریان می‌یابد. در چنین حالتی نیز حرکت آب منظم بوده و استخرِ ذخیره نیز از عناصر تشکیل‌دهنده نظام آبیاری می‌گردد و در شکل استقرار خود به نظم هندسی باغ نیز توجه دارد(میرفندرسکی، ۱۳۸۰).

۵-۲-۳- نظام استقرار

باغ ایرانی برای بهره‌مند شدن از هوای آزاد، نور، خاک و آب به جایگاهی نیازمند است که در معرض وزش باد ملایم و نسیم و آفتاب لازم و سایه کافی و خاک حاصلخیز قرارگرفته و به آب دسترسی داشته باشد. مورد دیگر مربوط به جایگاه و وضع عوارضِ زمین آن است. باغ به صورتی روی زمین قرار می‌گیرد که حرکت آب از بالاترین نقطه در باغ ظاهر می‌شود(میرفندرسکی، ۱۳۸۰).

۵-۲-۴- نظام ساختار(معماری)

مهم‌ترین اصل در طرح‌اندازی باغ ایرانی، نظام ساختاری آن است که بر پایه نظم هندسی قرار دارد. باغ ایرانی با محورهای عمود بر هم –محورهای اصلی و محورهای فرعی– تقسیم‌بندی شده و دیوار مرکبی پیرامون آن را احاطه می‌کند. اقدامات بنایی و ساختمانی در باغ ایرانی علاوه بر ایجاد دیوارِ مرکب پیرامونی به دیوارک‌های سطح شکن، پله‌ها، سطوح مفروش پیاده‌راه‌ها، حوض ها و استخر می‌پردازد که همگی از نظم هندسی باغ تابعیت می‌کنند و درواقع منظرِ زمینِ باغ را به‌وجود می‌آورند. فضاهای باغ با درخت‌های بلندِ سایه‌افکن تعریف می‌شوند، لکن عمده‌ترین فعالیت‌های بنایی که فضای باغ را تشکیل می‌دهند متوجه ایجاد ساختمان‌های اصلی می‌گردد(میرفندرسکی، ۱۳۸۰). در ادامه به عناصر نظام معماری پرداخته شده است و نمودار ۳– دسته‌بندی این نظام‌ها را تصویر کرده است.

۵-۲-۴-۱- دیوار

دیوار عنصری است که ابتدا تنها نقش عملکردی داشته، اما به تدریج و در طول زمان واجد معنا شده است. به نظر می‌رسد دیوار در باغ ایرانی بیشتر دارای وجه معنایی است. به طور کلی دو نوع دیوار برای باغ‌ها وجود دارد، یکی ساده و بی‌تکلف و دیگری استوار و باصلابت. هرجا دیوار استوار جلوه‌گر می‌شود، اتفاقی در حال رخ‌دادن است. مثلا احتمالا دیوار فضایی سرپوشیده دربر دارد یا نزدیک ورودی است. بنابراین این دیوارها غالبا عملکردی–اقلیمی و سپس معناگرا هستند. تنها استثنا، باغ چهل‌ستون اصفهان و باغ گلشن است(آقابزرگ، ۱۴۰۲).

۵-۲-۴-۲- ورودی

به نظر می‌رسد ورودی‌ها در باغ ایرانی اغلب معناگرا هستند. آن‌ها گاهی به شکل بنا و گاهی هم ساده‌تر و به صورت سردر ظهور پیدا می‌کنند. دروازه‌ها و سردرهای ورودی گاه مانند باغ‌های جهان‌نما و اکبریه ساده و گاهی مانند باغ‌های پاسارگاد، فین و شازده تبدیل به عمارتی مجلل شده‌اند. گاهی هم کوشک اصلی باغ با سردر، مانند باغ گلشن یکی شده‌اند. ورودی‌ها در باغ ایرانی به دلیل مرتفع بودن و داشتن تزئینات، اغلب معناگرا و سپس شکلی هستند(آقابزرگ، ۱۴۰۲).

۵-۲-۴-۳- کوشک

کوشک مهم‌ترین عنصر معمارانه در باغ‌های ایرانی و نشان‌دهنده نهایت ذوق و هنر ایرانی در ترکیب باغ و بناست. معمولا این بناها را در فضای میانی باغ و در محل تلاقی دو محور طولی و عرضی به گونه‌ای می‌ساختند که از چهار طرف دیده‌شده و تاثیر ترکیب هندسی چهارباغ ایرانی را دوچندان کند. اگرچه به لحاظ شکل‌گیری و دسته‌بندی ساختاری، گونه‌های نسبتا متفاوتی از این

فضاهای معمارانه در ترکیب باغ‌های ایران دیده می‌شود؛ این گونه معماری حاصل آمیزش سه خواست اساسی معماری، یعنی توجه به زیبایی، عملکرد و ایستایی است به نحوی که با ترکیب مناسب احجام، به زیبایی هرچه بیشتر آن‌ها افزوده می‌گردد(متدین، ۱۳۹۴).

نمودار ۲- عناصر باغ ایرانی(مأخذ: نگارندگان)

نمودار ۳- نظام‌های باغ ایرانی(مأخذ: نگارندگان)

۶-اهمیت و جایگاه نظام قرارگیری کوشک‌ها در باغ ایرانی

کوشک‌ها اغلب مقصد و نظرگاه هستند. این عناصر گاهی بسته و گاهی باز هستند؛ اگر باز باشند نقش اقلیمیِ کمی در کنار دیگر نقش‌ها در آن وجود دارد و اگر بسته باشند نقش اقلیمی هم به آن اضافه می‌شود. اغلب نمای کوشک دارای تقسیمات فرد بوده و خط آسمان آن به دلیل ارتفاع گرفتن قسمت میانی در این محل، دارای شکست است. کوشک عمدتا دارای نقش عملکردی است. نقش‌های مختلف در کوشک‌های باغ ایرانی دیده می‌شود که به دلیل نظرگاه بودن آن‌ها و داشتن ایوان یا مهتابی نقش فضاگرا دارند. در محل ایوان نقش اجتماعی-فرهنگی نیز عمدتا مطرح است. دارا بودن قسمت میانی مرتفع و ایوان کشیده یا بلند، مشخصه نقش شکلی و ایوان‌های کوچک و تزئینات محدود، مشخصه نقش عملکردی-اقلیمی و متمرکز بودن، قرارگرفتن در میانه محور اصلی، دارا بودن حوض‌خانه و تزئینات زیاد، مشخصه نقش معناگراست. نقش عملکردی-اقلیمی به دلیل قرارگرفتن در خرده اقلیم باغ ایرانی و امکان استفاده فصلی از کوشک و نه اقامت دائم، کمتر مورد توجه بوده است(آقابزرگ، ۱۴۰۲).

۷- شرح معماری باغ ایرانی

بطور کلی باغ ایرانی فضایی در نظر گرفته می‌شود که اگرچه فضایی بیرونی است، لکن همیشه محصور است. یک گروه از مورخان هنر، حصار باغ را ناشی از اقلیم، گروهی متاثر از ضرورت امنیت و برخی ناشی از سنت اجتماعی پرهیز از چشم‌زخم دانسته‌اند (Pecher, 1978). همه باغ‌های ایرانی صرف‌نظر از اقلیمی که در آن واقع شده‌اند، محصور هستند. باغ شازده یا فین در میان کویر، همان‌طور در حصار پیچیده‌شده که باغ صفی‌آباد در دل جنگل یا باغ جهان‌نما در شهر. در عین‌حال باغ‌های شاهان در مناطق حفاظت‌شده همچون عباس‌آباد، که امنیت آن تامین بوده، نیز محصور بوده است. در هر صورت نمی‌توان باغ ایرانی را خارج از تسلط نظام هندسه مستطیلی تصورکرد(منصوری، ۱۳۸۴). ترکیب، تقسیمات و اشکال کلی این دسته از باغ‌ها در چهارچوب قواعد و ضوابط ریاضی است و تابع نظام هندسی هستند. از ویژگی‌های این نوع باغ خطوط مستقیم، اشکال منظم، زوایای دقیق، ابعاد معین، تناسب، مسیرهای مرتب، محوربندی‌های هدایت‌کننده، دیدهای حساب‌شده و حضور روشن شبکه منظوم آب است. نظم هندسی دقیق همواره در باغ ایرانی مورد توجه بوده و معماران تمایل داشته‌اند تا باغ‌های هندسی را طراحی کنند(دهقان لطف آباد، ۱۳۸۷).

۸- خوانش تحلیلی از الگوهای باغ ایرانی

۸-۱- الگوهای اولیه باغ ایرانی

این پژوهش قصد داشته تا ابتدا به گردآوری و بازخوانی انواع مختلفی از توصیفات و خوانش‌هایی که از هندسه و ساختار الگوهای باغ ایرانی و عوامل موثر بر شکل‌گیری آن‌ها، تا به کنون مطرح شده است بپردازد. سپس در راستای این بررسی، دستیابی به نکات ارزنده‌ای از اهمیت عناصر مختلف و کالبد معماری شکل‌گیرنده آن‌ها در باغ ایرانی حصول یافته می‌شود که نتایجی را برای این پژوهش پدید آورد.

براساس رویکردی شکل‌گرا، کهن‌الگو یا الگو مرجعِ باغ ایرانی(طرح چهارباغ) چنین توصیف می‌شود که محدوده مربع یا مستطیل شکل از زمینی نسبتا وسیع که با دیواری در پیرامون آن محصور است. سطح این محدوده با دو محور متقاطع عمود بر هم به چهار قسمت مساوی تقسیم می‌شود. با کرت‌بندی هر یک از سطوح مربع شکل، به قطعات مربع‌شکل دیگری تقسیم می‌شود. اصلی‌ترین بنای باغ(کوشک) در مکان تقاطع دو محور قرار می‌گیرد(شاهچراغی، ۱۳۸۷). پوپ در چند بخش از مقاله خود بدین شکل به توصیف شمایل و طرح باغ ایرانی پرداخته است. ابتدا درباره طرح باغ هخامنشی سخن می‌گوید و آن را باغی خیابان‌بندی

و درخت‌کاری‌شده و راست‌گوشه با گیاهان کاملا متقارن و انبوهی از شکوفه‌ها که آن را عطراگین کرده معرفی می‌کند (Hortus, 1900)(علائی، ۱۳۹۱). سپس در اشاره به طرح باغ‌های ساسانی آن‌ها را باغ‌هایی متقارن نسبت به نقشه کف ساختمان باغ مجسم می‌کند. باغ‌هایی که محورهای اصلی آن‌ها بر اساس شکل چلیپاگونه ساختمان میانی باغ، نظم گرفته‌اند(همچون باغ‌های کاخ عمارت خسرو یا حوش کوری). بدین ترتیب، نقشه یک پردیس ساسانی را چلیپای راست‌گوشه‌ای با محورهای مشخص که بخش اصلی(کاخ)در محل تقاطع آن‌ها قرار داشته، تصور می‌کند(Leyden & Erskine, 1921; Croix, 1722). به نسخه‌های خطی درباره کیهان‌شناسی که به توصیف جهانی ۴ قسمتی می‌پردازند، اشاره می‌نمایند: «تپه کوچکی در مرکز کیهان قرار دارد و این نکته در بسیاری از باغ‌های ایرانی و همچنین باغ‌های مغولی برگرفته از هندی‌ها دوباره اجرا شده است (Stuart & Villiers, 1913).

کوشک نیز تقریبا به طور تغییرناپذیری بالای این تپه احداث می‌گردید و دید زیبایی بر باغ‌های پایین‌دست اطراف خود داشت (Morier, 1812). که گاه در پایین این تپه و به دور آن خندقی پر از آب نیز کشیده می‌شد.(Strange, 1928). ویژگی‌های باغ ایرانی در قالب هندسه عناصر مصنوعِ موجود در باغ مانند کوشک، سردر و عناصر طبیعی یعنی گیاهان و آب می باشد(پیرنیا، ۱۳۷۳). کالبد باغ‌های تاریخی، شکل‌یافته از سه نظام کاشت، آب و بناها است. پیش از این، ساختار هندسی به عنوان نظام تلفیق عناصر طبیعی و مصنوعی که در نظام‌های کالبدی باغ ساماندهی می‌شوند، بررسی می‌شود که به بیان ویژگی‌های باغ ایرانی در قالب نظام پرداخته است(شاهچراغی، ۱۳۸۷). تصویر ۴- نشان‌دهنده این سه نظام است.

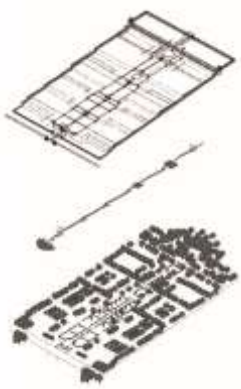

تصویر ۴- نمایش نظام‌های کالبدی باغ ایرانی: نظام کاشت، نظام آب، نظام معماری
مأخذ:(Moor, Mitchel & Turnbull, 1998, 176)

۸-۲- ساختار هندسی و طرح‌بندی

در کتاب آشنایی با معماری اسلامی ایران، طرح معماری باغ‌های ایرانی را بدین شرح توصیف نموده است که دالی بر علل بررسی دقیق‌تر این پژوهش بر جایگاه قرارگیری کوشک‌ها در سامان‌دادن به الگوی باغ‌های ایرانی می‌باشد؛ پیرنیا در این کتاب ابتدا طرح معماری باغ‌های ایرانی را بر خلاف دیگر سرزمین‌ها، مانند ساختمان‌های ایرانی، درونگرا می‌نامد: باغ یک جایگاه باز نبوده و زمینی بوده که گرداگردش با دیوار بسته شده است و کسی نمی‌توانسته از بیرون، درونِ آن را ببیند. هر باغ دارای یک درآیگاه بوده، ساختمانی که گاه آن را سردر نیز می‌نامیدند. این ساختمان، همچون بخش بیرونی خانه‌های سنتی بوده که در آن از مهمان پذیرایی می‌شده است. برای درون آمدن، نخست باید از کنه گذشت، سپس وارد هشتی یا کریاس و دالان شد. روبه‌روی درگاه ورودی بسته بود و یک یا دو دالان ازهشتی به درون باغ دسترسی داشت. در درون، چشم انداز اصلی باغ در راستای اصلی بود و ساختمان‌های دیگر در گوشه و کنار جای داشتند. هر باغ چند ساختمان داشت. یکی کوشک یا ساختمان اصلی که بیشتر در میانگاه آن بود و گاه در ۱/۳ درازای آن. نمای آن رو به باغ بود و گاه ازهر چهارسو به باغ باز می‌شد و گاه تنها یک نما داشت و پشتش بسته بود. ساختمانی که در پشت آن ساخته می‌شد، اندرونی باغ مربوط به زندگی خصوصی بود. این ساختمان به گستردگی ساختمان اصلی نبود. میان ساختمان اصلی، چه در میانگاه جای داشت و چه به دیوار باغ چسبیده بود، تا سردر باغ، درختی کاشته نمی‌شد و چشم‌انداز آن باز بود و سردر از ساختمان اصلی دیده می‌شد. تنها یک میان‌کرت بزرگ بین آن دو بود. در ادامه شرح نمونه‌هایی از باغ‌های ایرانی در این کتاب آمده‌است که در توصیفات آن‌ها به اهمیت سلسله مراتبی که قرارگیری کوشک‌ها برای نظام شکل‌گیریِ دیگر اجزا و عناصر آن باغ پدید می‌آوردند می‌توان پی‌برد؛ بطور مثال: «در باغ دولت آباد، ساختمان اصلی یا کوشک به دیوار ته باغ چسبیده بود و در راستای آن، یک میان‌کرت وجود داشت که در آن سوی باغ، به ساختمان سردر می‌رسید. در برخی باغ‌ها ساختمان اصلی در میان‌کرت قرار می‌گرفت و ساختمان به هر چهارسو باز می‌شد. ولی کرتی که در راستای سردر باغ بود(میان‌کرت) مهم‌تر بود، مانند باغ جهان‌نما و نظر شیراز و هشت‌بهشت اصفهان. در پیش کوشک، یک استخر بزرگ مربع مستطیل ساخته می‌شد که آب از آن یا به حوض‌جوش، یا با آبفشان(فواره)های گوناگون پُر و به پاشوره‌ها سرازیر می‌شد واز دو سوی میان‌کرت با دو جوی تا نزدیک سردر روان بود. گاه به جای استخر، حوض کله‌گی می‌ساختند. در سه یا هر چهار سوی کوشک حوض کله‌گی وجود داشت، مانند باغ دولت آباد یزد. در میان کوشک هم یک حوضخانه بود و آبی که از آن بیرون می‌آمد به حوض کله‌گی و از آن به درون آبگردان‌ها می‌ریخت و در جوی خیابان‌ها راه می‌افتاد و تا ساختمان سردر می‌رفت که به شرح جهت‌یابی باغ‌ها با عنوان جایگاه کوشک‌ها پرداخته است(پیرنیا و معماریان، ۱۳۹۷). تصویر ۵- نقشه باغ شازده و سلسله‌مراتبی از آن را نشان می‌دهد.

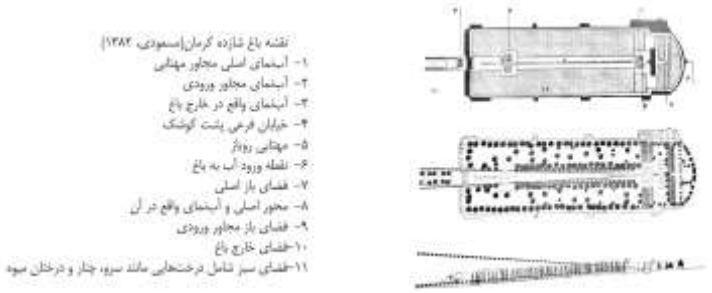

تصویر ۵- نقشه باغ شازده کرمان، مأخذ:(مسعودی، ۱۳۸۲)

با بررسی دیگر منابع نکاتی در پی ساخت بنای کوشک در باغ‌های ایرانی مطرح می‌شود که مضاف بر کارکرد سکونتی، دلایل منظرین قوی‌تری داشته است. میرسلیم این‌گونه بیان می‌کند که «کوشش بر این بوده است که ساختمان‌های داخل باغ در محلی برخوردار از بهترین چشم‌انداز قرار گیرد»(میرسلیم، ۱۳۷۵). در طراحی باغ اگرچه شرایط زمین بسیار تعیین‌کننده است، ولی تعیین جایگاه کوشک و چشم‌اندازها می‌تواند کاملا آگاهانه، نمادین و معناگرا باشد. نظریاتی مبتنی بر عقاید آیینی در مورد حضور کوشک در باغ ایرانی وجود دارد و کوشک‌ها را به عنوان نماد تمثیلی از غرفه‌های بهشتی وعده‌داده شده به مؤمنین تلقی می‌کنند. «غرفه، نام بالاترین منزل‌های بهشت است. بنابراین غرفه دارای هوایی لطیف‌تر، مناظر بهتر و محلی آرام‌تر برای سکونت است. غرفه‌های کوشک در باغ ایرانی این ویژگی‌های بهشتی را کسب کرده است»(انصاری، ۱۳۷۸؛ فاطمی، ۱۴۰۱).

۸-۳- نظم فضایی

تقارن و توازن نیز به عنوان دو عنصر موثر در الگوی باغ‌های ایرانی مطرح شده‌اند که در معماری سنتی ایران نیز به اشکال مختلف استفاده شده است. این تقارن در هندسه و شیوه کاشت درختان مشهود است. ایرانیان از دوره هخامنشیان میل به ایجاد باغ های منظم با تکیه بر خطوط مستقیم و کاشت‌های قرینه داشتند(Pechere, 1982). کرت‌ها، ساختمان‌ها، ورودها، طرفین مسیرها، جوها، آبنماها، بسیاری از گیاهان و کلیت باغ عموما جلوه‌های متنوعی از تقارن را به نمایش می‌گذاشتند(نقی زاده، 1392). کوشک به عنوان اصلی‌ترین بنای باغ بر روی محور تقارن آن قرار می گیرد(حیدرنتاج، ۱۳۸۹). در باغ ایرانی هندسه آن حائز دو نکته بود: سه کشیدگی در کنار هم و تقسیم باغ به مربع‌هایی که خود دارای تقسیماتی منظم و مربع‌شکل بودند(پیرنیا، ۱۳۷۳). کوشک‌ها با واقع‌شدن در هسته هندسی باغ، در تکمیل و بهبود تقارن آن نقش قابل توجهی دارند و تاکیدی بر اهمیت وضعیت مکانی آن‌ها در فضای باغ است(فاطمی، ۱۴۰۱). الگوی هندسی باغ ایرانی در توصیفی ساده بدین‌گونه است که محدوده باغ به شکل مربع یا مستطیل کامل، طبق حجم آبی که می‌توان تأمین‌کرد و همچنین متناسب با ویژگی زمین (که می‌تواند شیبدار، مسطح با شیب‌عمومی کم، نزدیک رودخانه یا درکنار برکه باشد)، شکل می‌گیرد و سپس کرت‌بندی یا تراس‌بندی آن براساس هندسه‌ای منظم ایجاد می‌شود(شاهچراغی، ۱۳۸۷). خیابان‌بندی باغ‌ها هم به گونه‌ای است که دو خیابان متقاطع شمالی–جنوبی و شرقی–غربی اصلی و چند خیابان کم عرض‌تر، عمود بر محور اصلی نه تنها به باغچه‌بندی‌ها شکل می‌دهند بلکه سبب ایجاد اتصال بنای اصلی و واحدهای ساختمانی نیز می‌شوند(حیدرنتاج، ۱۳۸۹)

۸-۴- نظام‌های ساختاری الگو باغ ایرانی

مهم‌ترین اصل در طرح‌اندازی باغ ایرانی، نظام ساختاری آن است که بر پایه نظم هندسی قرار دارد. باغ ایرانی با محورهای عمود برهم –محورهای اصلی و محورهای فرعی– تقسیم‌بندی شده و دیوار مرکبی پیرامون آن را احاطه می‌کند(میرفندرسکی، ۱۳۸۰). نمودار ۴- چهار قرائت متفاوت از الگوی باغ ایرانی را نشان می‌دهد. تصویر ۶- نیز نشان‌دهنده نظام‌هایی است که در زیر به آن پرداخته‌ایم.

نمودار ۴- چهار الگوی باغ ایرانی(مأخذ: نگارندگان)

۸-۴-۱- نظام نه قسمتی

الگوی ۹ قسمتی، باغ را به ۹ بخش تقریبا مساوی تقسیم می‌کند(۳ در ۳). این تقسیم‌بندی، علاوه بر ایجاد تقارن و تمرکزِ بصری، امکان طراحی شبکه مسیرها و جوی‌های آب برای مدیریت بهتر باغ را فراهم می‌کند. بخش میانی معمولا نقطه کانونی باغ است و ۸ بخش دیگر پیرامون آن قرار می‌گیرند. این الگو بیشتر در باغ‌های سلطنتی و مقبره‌ای تحت تاثیر ایران و هند مشاهده‌شده و گونه‌ای تکاملی از طرح چهارباغ محسوب می‌شود(یونسکو، ۱۳۸۹).

۸-۴-۲- نظام مرکزگرا

طرح‌بندی چهار قسمتی یکی از بنیادی‌ترین وجوه تفکر بشری است که مقدم بر مفهوم باغ ایرانی و در مراحلی از تکامل آن منبع الهام بوده است. هندسه الگوی چهارباغ بر اساس دو محور عمود برهم توجیه می‌شود. یکی از این دو محور از دیگری بلندتر و عریض‌تر است که «میان‌کرت» نام دارد. میان‌کرت عمارت ورودی را به عمارت اصلی وصل می‌کند. این معبر با حضور و جریان نهر آب همراه است و گونه درختان کاشته‌شده در دو سمت آن با سایر محورها متفاوت است(متدین، ۱۳۹۶).

۸-۴-۳ نظام محورگرا(تک محوری)

باغ ایرانی با هدف ایجاد دید وسیع و عمیق و احاطه بر طبیعت با احداث کوشکی در بالاترین نقطه، دو دسته چشم‌انداز خلق می‌کند: چشم‌انداز داخلی در محورها و دید بی‌کران به مناظر طبیعی پیرامون باغ(متدین، ۱۳۹۶).

۸-۴-۴- نظام شطرنجی

به گونه دیگری از نقشه باغ براساس زمینه‌ای شطرنجی اشاره می‌کنند که در آن‌ها بنایی وجود داشت که متوجه محور اصلی باغ بود. در این باغ‌ها گاه انواع دیگری از بناها نیز به نام عمارت دروازه و عمارت باغ که در میان استخری قرار می‌گرفت، وجود داشت(علائی، ۱۳۹۱).

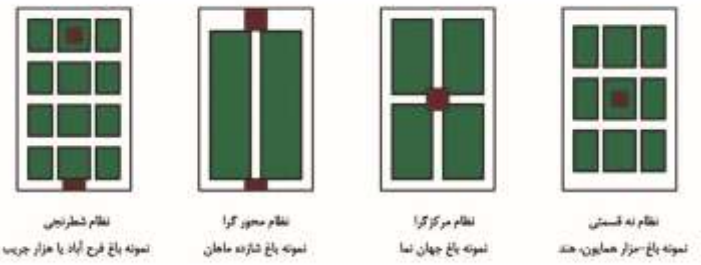

تصویر ۶- چهار قرائت متفاوت از الگوی باغ ایرانی، مأخذ:(متدین، ۱۳۹۶)

۸-۵- الگوهای هندسی باغ ایرانی متمرکز بر محل قرارگیری کوشک

همان‌طور که در بخش‌های پیشین این پژوهش اشاره‌شد و در منابع متعددی گردآورده شده‌بود، جایگاه قرارگیری کوشک، از عوامل تاثیرگذار و تعیین‌کننده در تشکیل الگوی ساختار باغ ایرانی است و می‌تواند نقش عظیمی بر جاگیریِ دیگر عناصر و زیرمجموعه‌های باغ ایفا کند؛ حال به طور متمرکز به شرح این الگوهای هندسی بر اساس جایگاه کوشک و محورهای موجود در باغ پرداخته می‌شود.

برخی از محققین اعتقاد دارند که الگو اصلی باغ ایرانی الگو تک‌محوری است(عمرانی و جیحانی، ۱۳۸۳). به نظر می‌رسد مستطیل بودن باغ دلیل اصلی شکل‌گیری الگو تک‌محوری در باغ باشد. در پلان مستطیل، محور طولی همان محور اصلی است و کوشک در ۱/۲، ۱/۳ یا ۱/۴ طول آن، بنا می‌شود(حیدرنتاج، ۱۳۸۹). باغ دولت‌آباد یزد از نمونه باغ‌های ایران است که یک محور طولی دارد. این محور طولی از سردر آغاز می‌شود و تا عمارت باغ ادامه می‌یابد. الگوی هندسی دیگر، الگوی دو محور عمود برهم است. در این الگو دو محور اصلی که عمود برهم هستند، باغ را به چهار قسمت تقسیم می‌کنند و برخی از محققین چهاربخش بودن را به همین چهار بخش بودن باغ معنی می‌کنند. مانند میرفندرسکی که تقسیم بر چهار شدن را دارای بار تاریخی طویلی می داند(میرفندرسکی، ۱۳۸۴). دلیلی دیگر بر شکل‌گیری این الگو، مربع بودن پلان باغ است. پلان مربع، دو محور عمود بر هم دارد که می‌توانند، هم‌عرض یا غیرِ هم‌عرض باشند و در مرکز پلان همدیگر را قطع کنند. این پلان‌های مربع چهار محور تقارنند که محل برخوردشان اهمیت بالایی دارد زیرا در این نقطه، کوشک یا ساختمان اصلی باغ احداث می‌شود(حیدرنتاج، ۱۳۸۹). اصل مهم دیگر در باغسازی ایرانی، چشم‌انداز اصلی باغ بود و معمولاً به شکل مستطیل کشیده طراحی می‌شد و در مقابل بنا قرار می‌گرفت. در این فضا درختان بلند نمی‌کاشتند. در عوض گیاهانی استفاده می‌شدند که زیاد بلند نشوند و منظر باز را سد نکنند و در عین حال همیشه زیبا باشند(مردمی و همکاران، ۱۳۹۳)(براتی و همکاران، ۱۴۰۴).

۸-۶- نحوه‌های قرارگیری کوشک‌ها در باغ ایرانی

بنا را در نقاط مختلف باغ می‌ساختند، مثلا گاه بنای اصلی در وسط باغ بوده و از چهار طرف دیده می‌شد و بناهای فرعی در اطراف بودند یا بناهای اصلی باغ یک طرف بود و بناهای فرعی در اطراف، با دو راه متقاطع و منظر اصلی در امتداد محور طولی باغ بود. در باغ‌هایی نیز کوشک به نسبت یک‌سوم در امتداد محور طولی قرار داشت و بناهای اندرون را در طرف خلوت باغ قرار می‌دادند و منظر اصلی در جهت مخالف اندرون بود. باغ طرف اندرون هم، میان‌کرت و سایر اجزا را داشت. اما پشت آن مسدود بود، مثل باغ دلگشا. نوعی باغ هم بود که در پشت بنای اصلی آن یک حیاط بسته بود. رو به جلو منظر داشت، اما در پشت آن، فقط حیاط‌خلوت و گوشه دنجی بود، مثل باغ ارم شیراز، مزار کاشان و سروستان فارس(پیرنیا، ۱۳۷۳). تصویر ۷- گویای این موضوع است.

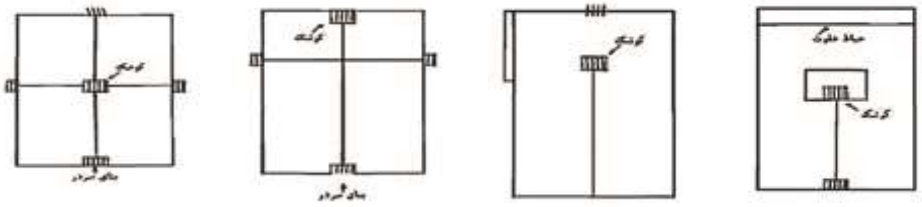

تصویر ۷- چهار نحوه قرارگیری کوشک در باغ ایرانی، مأخذ:(پیرنیا، ۱۳۷۳)

هر باغ چند ساختمان داشت. یکی کوشک یا ساختمان اصلی که بیشتر در میانگاه آن بود و گاه در ۱/۳ درازای آن. نمای آن رو به باغ بود و گاه از هر چهارسو به باغ باز می‌شد و گاه تنها یک نما داشت و پشتش بسته بود. ساختمانی که در پشت آن ساخته می‌شد، اندرونی باغ مربوط به زندگی خصوصی بود. این ساختمان به گستردگی ساختمان اصلی نبود. میان ساختمان اصلی، چه در میانگاه جای داشت و چه به دیوار باغ چسبیده بود، تا سردر باغ، درختی کاشته نمی‌شد و چشم انداز آن باز بود و سردر از ساختمان اصلی دیده می‌شد(پیرنیا، معماریان، ۱۳۹۷).

۹- نتیجه‌گیری

در آغاز اولین الگویی که مطرح گردید الگوی چهارباغ بود که آن را بازنمایی از بهشت در نظر داشتند و باورهای ایرانیان باستان بر این بود که شکل‌گیریِ آن از تاثیرپذیریِ آن از شکل زمین و تقسیم توسط چهار نهر صورت‌گرفته است. تحلیل ساختار الگو باغ ایرانی بر اساس نظام قرارگیری کوشک‌ها نشان می‌دهد که این نظام علاوه بر جنبه زیبایی‌شناسانه و نمادین، بازتاب‌دهنده باورها و جهان‌بینی ایرانیان باستان نیز هست. کوشک‌ها با جایگاه استراتژیک خود، محوریت فضایی باغ را شکل می‌دهند و ارتباط میان فضاهای مختلف آن را برقرار می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهند که انتخاب محل کوشک‌ها معمولاً بر تقارن، دید محوری و پیوند با عناصر طبیعی مانند نهرها و مسیرهای آب سوار بوده است، که همه این‌ها به بازنماییِ نمادینِ بهشت و نظم کیهانی در باغ ایرانی کمک می‌کند و محصول هم‌نشینی و تأثیر متقابل جایگاه کوشک و نظام هندسی باغ هستند. بررسی حاضر نشان داد که جایگاه کوشک در باغ ایرانی نه صرفاً یک عنصر معماری، بلکه عامل بنیادینی است که در باغ ایرانی نقشی تعیین‌کننده در تکوین الگوهای فضایی و نظام‌های سازمان‌دهنده باغ ایفا می‌کند. در نهایت در این مقایسه تطبیقی، یافته‌ها حاکی از آن است که جایگاه قرارگیری کوشک در باغ ایرانی، می‌تواند الگوی نظام‌های ساختاری را در ۴ حالت کلی پدیدآورد:

در حالت نخست، استقرار کوشک در مرکز باغ به شکل‌گیری ۲ نظام مرکزگرا و ۹ قسمتی می‌انجامد؛ نظام مرکزگرا به دلیل تمرکز بصری و فضایی پیرامون نقطه مرکزی کوشک شکل می‌گیرد(نمودار ۵-) و نظام ۹ قسمتی نیز از تقسیم‌بندی باغ به ۹ بخش با محوریت کوشک مرکزی صورت می‌گیرد تا تقارن و هماهنگی فضایی حفظ گردد(نمودار ۶-). در حالت دوم استقرار کوشک در یک‌سوم میانی باغ، زمینه‌ساز پیدایش نظام‌های شطرنجی و گاه محورگرا است؛ که در نظام شطرنجی/شبکه‌ای، کوشک در یکی از تقاطع‌های شبکه یا بخش یک‌سوم میانی قرار گرفته که سبب می‌گردد تا مسیرها و بخش‌ها به شکل هندسی منظم ساماندهی شوند(نمودار ۸-) و در ایجاد نظام محورگرا نیز محور اصلی دید و حرکت از ابتدا تا کوشک امتداد پیدا می‌کند ولی منجر به پدیدآمدن تمرکز مرکزیِ مطلق نخواهدشد(نمودار ۷-).

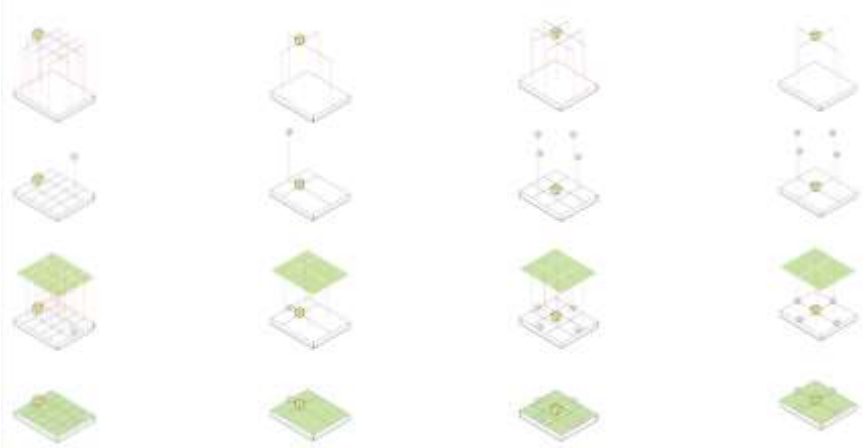

نمودار ۵- استقرار کوشک در مرکز، نظام مرکزگرا(مأخذ: نگارندگان)

نمودار ۶- استقرار کوشک در مرکز، نظام ۹ قسمتی(مأخذ: نگارندگان)

نمودار ۷- استقرار کوشک در ۱/۳ میانی باغ ، نظام محورگرا(مأخذ: نگارندگان)

نمودار ۸- استقرار کوشک در ۱/۳ میانی باغ، نظام شطرنجی/شبکه‌ای(مأخذ: نگارندگان)

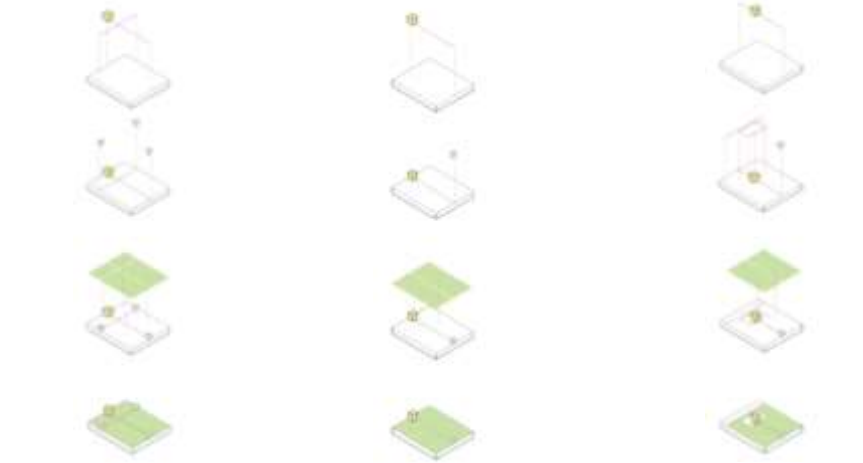

نمودار ۹-استقرار کوشک با حیاط بسته و حیاط پشتی، نظام محورگرا/سلسله‌مراتبی(مأخذ: نگارندگان)

نمودار ۱۰- استقرار کوشک در سر یا ته باغ، نظام محورگرا(مأخذ: نگارندگان)

نمودار ۱۱- استقرار کوشک در سر یا ته باغ، نظام محورگرا(مأخذ: نگارندگان)

در حالت سوم، استقرار کوشک با حیاط پشت بسته، موجب شکل‌گیری الگوی نظام محورگرای سلسله‌مراتبی با تاکید بر فضاهای خصوصی می‌شود(نمودار ۹-)؛ که نوع سازمان فضاییِ نظام محورگرا با فضای محصور، توسط حیاط پشتی تقویت می‌گردد و تجربه فضایی و سلسله‌مراتبیِ خاصی را ایجاد می‌کند که فضایی متمایز از الگوی نظام مرکزگرا یا شطرنجی کلاسیک است. نهایتا در حالت چهارم، استقرار کوشک در سر یا ته باغ است که الگوی نظام محورگرای طولی را تثبیت کرده و تجربه خطی-دیداری از باغ را برجسته می‌سازد(نمودار ۱۰- و ۱۱-). اثری که این نوع استقرار بر نظام الگویی ایجاد می‌کند، منجر به طراحی کل باغ حول محور طولی می‌شود و کوشک در نقش نقطه آغازین یا پایانی محور عمل می‌کند. شایان توجه است که این حالت قرارگیری، گاه می‌تواند با نظام شطرنجی جزئی تلفیق شود، اما تمرکز اصلی همچنان بر تجربه خطی-دیداری باقی می‌ماند.

بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که الگوهای باغ ایرانی در پیوند مستقیم با نظام قرارگیری کوشک‌ها تعریف می‌شوند و موقعیت کوشک، نه‌تنها عامل سازمان‌دهنده ساختار فضایی، بلکه منشأ تنوع و تحول در صورت‌بندی‌های مختلف باغ ایرانی است و جایگاه آن در ترکیب با محورها و تقسیم‌بندی‌های هندسی تا حد زیادی در پدیدآمدن این نظام‌های الگویی در باغ ایرانی عامل بوده است. بنابراین، الگوی آرایش کوشک‌ها ترکیبی از عملکرد عملی، زیبایی‌شناسی و معناگراییِ فرهنگی است که نقش مهمی در طراحی فضاهای باغ ایرانی داشته و اهمیت تحلیل جایگاه کوشک را در بازخوانی الگوهای تاریخی و بهره‌گیری از آن‌ها در طراحی معاصر دوچندان می‌سازد.

منابع

- آقابزرگ، نرگس، زمستان (۱۴۰۲)، «نقش عناصر معماری در باغ ایرانی»، نشریه منظر، شماره ۶۵
- ابوالضیاء، فرهاد، (۱۳۷۳)، «باغ‌های ایرانی(گفتگوی فرهاد ابوالضیاء با محمد کریم پیرنیا)، نشریه آبادی، دوره ۴، شماره ۱۵
- انصاری، مجتبی، (۱۳۷۸)، «ارزش‌های باغ ایرانی(صفوی-اصفهان)»، رساله دکتری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
- بانی مسعود، امیر، (۱۳۹۵)، باغ‌های تاریخی تبریز، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- براتی، فهیمه، ابوذر، صالحی، آرمین، بهرامیان، فروردین(۱۴۰۴)، «مقاله خوانش اصول و الگوهای باغ ایرانی با هدف استفاده در فضاهای سبز شهری معاصر»، دوره ۱۷، شماره ۷۰: ۱۵-۶
- بهشتی، سید محمد، (۱۳۸۷)، «جهان باغ ایرانی»، فصلنامه گلستان هنر، دوره ۴، شماره ۲: ۱۵-۷
- پیرنیا، محمد کریم، (۱۳۷۳)، باغ‌های ایرانی، نشریه آبادی، شماره ۱۵، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
- پیرنیا، محمد کریم، غلامحسین، معماریان، (۱۳۹۷)، آشنایی با معماری اسلامی ایران، چاپ بیست و پنجم، انتشارات گلجام
- جوادی، شهره، مهر(۱۳۹۲)، «بازخوانی روایت باستانی آب و درخت در دوران اسلامی»، فصلنامه هنر و تمدن شرق، دوره ۱، شماره ۱، شماره پیاپی ۱: ۴۳-۵۰
- جوادی، رضا، بهزاد، وثیق، فروردین(۱۴۰۱)، «باغ ایرانی فراتر از یک باغ زمینی معماری باغ و امکان تاثیر آن در طراحی فضاهای سبز شهری»، نشریه هنر و تمدن شرق، دوره ۱۰، شماره ۳۵: ۷۰-۵۷
- حیدرنتاج، وحید، اسحاق، رضازاده، زمستان(۱۳۹۴)، «همنشینی آب، گیاه و نظرگاه به دنبال کهن‌الگو باغ ایرانی»، ویژه باغ ایرانی، نشریه منظر، شماره ۳۳: ۵۵-۴۸
- حیدرنتاج، وحید، (۱۳۸۹)، باغ ایرانی، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- دانشدوست، یعقوب، زمستان(۱۳۶۹)، «باغ ایرانی»، مجله اثر، شماره ۱۸ و ۱۹: ۲۲۴-۲۱۴
- دهقان لطف‌آباد، بهرنگ، (۱۳۸۷)، «مجموعه گردشگری سوران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری و شهرسازی، دانشکده معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد.
- شاهچراغی،آزاده، بهار(۱۳۸۷)، «بازخوانی نظام معماری باغ ایرانی در باغ‌فرش ایرانی با تاکید بر نظریه بوم‌شناختی ادراک محیط»، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن علمی فرش ایران، شماره ۹: ۸۶-۶۳
- صدیق محمدنیا، الناز، ۲۷ مهر(۱۳۹۸)، «هندسه در باغ ایرانی»، چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در علوم مهندسی
- علائی، علی، فروردین(۱۳۹۱)، «باغ ایرانی از منظر پوپ»، فصلنامه کیمیای هنر، سال اول، شماره ۲: ۸۶-۶۵
- عمرانی، سید محمدعلی، حمیدرضا، جیحانی، زمستان(۱۳۸۳)، «باغ و باغسازی در گفتگو با مهوش عالمی»،موزه‌ها، ویژه‌نامه همایش و نمایشگاه باغ ایرانی، شماره ۴۱
- فاطمی، مهدی، بهار(۱۴۰۱)، «انعطاف‌پذیری، ویژگی بارز باغ ایرانی برای بهره‌گیری از آن در دوره معاصر»، مجله منظر، شماره ۵۸: ۱۹-۶
- کلارک، اما، (۱۳۸۰)، «رویت بهشت»، مجموعه مقالات ارائه‌شده در اولین کنفرانس بین‌المللی هنر دینی، انتشارات سروش
- متدین، حشمت‌الله، (۱۳۹۶)، تاریخ باغسازی جهان، تهران: انتشارات پژوهشکده نظر
- متدین، حشمت‌الله، رضا، متدین، زمستان(۱۳۹۴)، «معماری کوشک»، ویژه باغ ایرانی، نشریه منظر، شماره ۳۳: ۳۹-۳۲
- متدین، حشمت‌الله، اسفند(۱۳۸۹)، «علل پیدایش باغ‌های تاریخی ایران»، نشریه باغ‌نظر، دوره ۷، شماره ۱۵، شماره پیاپی ۱۵: ۶۲-۵۱
- محمدی، سمانه، قلی‌زاده، میرقاسم، (۱۴۰۰)، «بررسی ساختار معماری کوشک در باغ‌های ایرانی»، ششمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و مهندسی و سومین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی
- مدقالچی، لیلا، محتبی، انصاری، محمدرضا، بمانیان، (۱۳۹۳)، «روح مکان در باغ ایرانی»، نشریه باغ‌نظر، سال یازدهم، شماره ۲۸
- مردمی، کریم، صدیقه، میرهاشمی، کسری، حسن‌پور، (۱۳۹۳)، «باغ ایرانی-باغ شفابخش»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۵، سال دوم: ۴۳-۳۹
- منصوری، امیر، مرداد(۱۳۸۴)، «درآمدی بر زیبایی شناسی باغ ایرانی»، نشریه باغ‌نظر، دوره ۲، شماره ۳، شماره پیاپی ۳: ۵۸-۶۳
- میرسلیم، مصطفی، (۱۳۷۵)، دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دائره‌المعارف اسلامی
- میرفندرسکی، محمدامین، بهار(۱۳۸۰)، «باغ در مفهوم باغ»، نشریه هفت شهر، سال دوم، شماره ۳
- میرفندرسکی، محمدامین، (۱۳۸۴)، «باغ ایرانی چیست؟ باغ ایرانی کجاست؟»، نشریه موزه‌ها، ویژه‌نامه همایش و نمایشگاه باغ ایرانی
- نصر، طاهره، (۱۳۸۹)، «تجلی حکمت در باغ ایرانی»، نشر رخشید
- نقی زاده، محمد، بهار(۱۳۹۲)، «جلوه‌های زیبایی در باغ ایرانی»، نشریه منظر، شماره ۲۲: ۸-۶
- ویلبر، دونالد، (۱۳۴۸)، باغ‌های ایران و کوشک‌های آن، ناشر: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- یونسکو، (۱۳۸۹)، پرونده باغ ایرانی-Persian Garden- بخش تنوع گونه‌ها
- Croix, P., (1772); Histoire de Timour-Bec (Sharaf al-Din Ali Yazdi, Zafarnamah), Paris, II
- Hortus, G. L.; in Daremberg, C. Saglio, E. (1900);Dictionnaire des Antiquites, I, part I; Paris; citing Arrian, Anabasis, Book VII, Chapter 25; Athenaeus, Book XII, pp. 515 E, 537 D; Diodorus, Book II, Chapter 13, Book XVI, Chapter 41, Book XVII, Chapter 110; Pliny, Historia Naturalis, Book XVI, Chapter 62; Plutarch, Alcibiades, Chapter 24, Artaxerxes, Chapter 25, Demetri-us, Chapter 50, Quaestiones conviviales, Book III, Chap-ter 2, p. 648; Theophrastus, Historia Plantarum, Book IV, Chapterl, § I;Xenophon, Oeconomicus,BookIV,Chapter21.
- Leyden, J., Erskine, (1921), W. (Trans.); op. cit., Il; p. 257.
- Morier, J. (1812); A Journey through Persia, Armenia and Asia Minor; London.
- Pecher, Rene, (1978), Etude des gardins historiques en Iran, ICOMOS, Paris
- Pechere, Rene, (1982), Etude de jardins historiques en iran, Paris: Unesco
- Stuart, C. Villiers, M. (1913); Gardens of Great Mu-ghals; London.l
- Strange, G. (Trans.), (1928); Clavijo, Embassy to Ta-merlane; London.